



نیشابور/خراسان رضوی

حسن احمدی فرد

عکس‌ها:

مرضیه میرنژاد



زن‌های چاه‌نسری ده سالی می‌شود که اشتغالی تازه پیدا کرده‌اند

نان خورشید سر سفره شهربانو

چاه‌نسر فراهم کرد. در آن زمان هزینه خرید و نصب هر پنل خورشیدی تنها ۳۲ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان بود که بخشی از آن وامی بود که کمیته امداد در اختیار خانواده‌ها قرار می‌داد. کسی درست نمی‌دانست این طرح می‌تواند به درآمدزایی برسد یا نه. با این وجود خانم‌ها پیش‌قدم شدند تا این کار تازه را تجربه کنند.

● خانم‌های مهندس!

شهربانو هم همان سال وام را گرفت و پنل‌ها را خرید. مهندس‌ها آمدند و جای پنل‌ها را معلوم کردند. پنل‌ها سوار شدند و خیلی زود اعداد و ارقام سیاه‌رنگ در کنتورها نشان داد که برق دارد تولید می‌شود. آفتاب که تا پیش از این در کار خشکاندن زمین‌ها و کشت و کارها بود، حالا داشت برق را راهی ترانس‌ها می‌کرد تا از آن جا سوار کابل‌ها بشود و برود هر جایی که لازم است.

اشتغال تازه خانم‌ها در چاه‌نسر، این طوری پا گرفت و در همه خانه‌ها ریشه دواند. خانم‌های چاه‌نسری حالا علاوه بر رسیدگی به بچه‌ها و سر زدن به بز، گوسفند‌ها، مرغ و خروس‌ها، باید به حواس‌شان به پنل‌ها هم می‌بود؛ اینکه گرد و غبار ننشیند روی صفحات شیشه‌ای‌شان، اتصالات‌شان از هم جدا نشود، برق در ترانس‌ها از حد مجاز بالاتر نرود و هزار و یک نکته دیگر که خانم‌ها برای آن آموزش هم دیده بودند. حالا دانش و تجربه خانم‌ها در روستای چاه‌نسر از برق خورشیدی، چیزی کم از مهندس‌های کارکشته ندارد. شهربانو هم حالا برای خودش، یک پا مهندس است.

شهربانو اما کار خودش را دارد. او و بسیاری از زن‌های روستا، چند سالی است که کار تازه‌ای را شروع کرده‌اند. حالا زن‌های چاه‌نسر هم مثل مردها چشم‌شان به آسمان است. مردها چشم می‌کشند که آسمان بیارد؛ زن‌ها چشم می‌کشند که آفتاب بشود. برف و باران که بیارد، زمین‌ها سیراب می‌شوند؛ آفتاب که بشود، «پنل‌های خورشیدی» برق تولید می‌کنند.

● خانم‌ها پیش‌قدم شدند

سال‌هاست که آسمان خوب نمی‌بارد و کشت و کارها بیشتر روزهای سال تشنه می‌مانند؛ برف و باران که نیارد، آب چشمه‌ها و قنات‌ها هم کم‌زور می‌شود. آن وقت چاه‌های عمیق هر چه قدر که شیره زمین را بمکنند، بازی نمی‌شود که بشد با آن، زمین‌ها را سیراب کرد و کشت و کارها را شاداب نگه داشت. خشکسالی، سال‌هاست که امان کشاورزها را بریده و زمین‌های آباد را خشکانده است. حاصلش این شده که بیشتر روستایی‌ها، روستاها و کشاورزی نیم‌بندشان را ول کرده‌اند و راهی شهرها شده‌اند. چاه‌نسری‌ها هم خیلی‌هایشان، قید زمین‌ها را زده‌اند و راهی تهران، کرج و مشهد شده‌اند تا شاید آن جا با کارگری نانی در بیاورند و سر سفره زن و بچه‌شان بگذارند. روزگار روزگار تنگدستی آدم‌های زحمتکش است.... تا سال ۱۳۹۰ خیلی از اهالی چاه‌نسر، زیر پوشش کمیته امداد قرار گرفتند اما بی‌آبی‌ها ادامه داشت و خبری از کار کشاورزی در روستا نبود.

سال ۹۱ کمیته امداد امام خمینی (ره) در قالب طرح خوداشتغالی شرایط خرید و نصب پنل‌های خورشیدی را برای ۳۳ مددجو متقاضی خود در روستای

«بهمدی»ها، همان «بامدی»ها یا «بومدی»ها هستند؛ طایفه‌ای ریشه‌دار در خاک خشک خراسان. «شهربانو» هم از بهمدی‌هاست. عمرش را همین‌جا در چاه‌نسر گذرانده. مثل همه زن‌های روستا، همه روزهای عمرش به بچه‌داری و مال‌داری و کمک به مردش گذشته؛ حالا بچه‌ها رفته‌اند سراغ زندگی خودشان و شهربانو مانده است و خانه‌اش، مرغ و خروس‌ها و چند بز و گوسفندی که دارد. کار صحرایم که تا بهار تعطیل است. امسال برف خوبی باریده و بیشتر زمین‌های اطراف «چاه‌نسر» هنوز سفیدپوش است. حتی مردها هم این چند ماه کاری با کشت و کارها ندارند و روزها می‌نشینند بر آفتاب و با دیگر آفتاب‌نشین‌های روستا گپ می‌زنند.